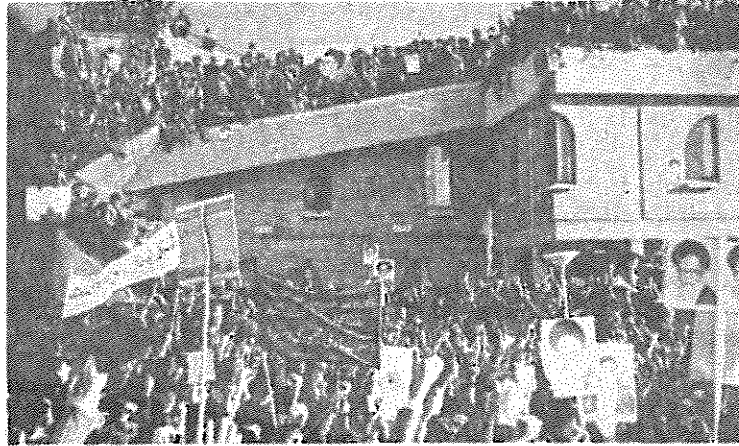


# رنجبر

سال اول شماره ۴۰ - بیست و دوم آذرماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۰ ریال

## تبریز: متحد شویم و فرقه گرایی را طرد کنیم



حوادث هفته‌ی گذشته آذربایجان و تبریز ناشی از چه بود، چرا به مرز قیام علیه جمهوری اسلامی گشانده شد، از آن چه می‌آموزیم و هم اکنون وظایف ما در قبال آن چیستند؟ برای پاسخ گفتن به این سئوالات نگاهی به سیر تکاملی حوادث هفته گذشته تبریز و آذربایجان بیافکنیم، که سخت آموزنده‌اند.

یک نیروی سیاسی محلی دارای نقطه نظرات معینی در مورد مسائل بقیه در صفحه ۴

# با اتحاد بزرگ ملی هرج و مرج کنونی را به نظم انقلابی تبدیل کنیم

محرک‌های انقلاب کنونی و خدمت به آنها.

- ۳ - ضرورت مبارزه‌ی متحد علیه آمریکا و شوروی و عملشان و به خاطر ایجاد وسیع‌ترین جبهه‌ی متحد.
- ۴ - ضرورت وجود ارتش ملی نیرومند و همکاری و همسویی نیروهای دیگر مسلح با آن.
- ۵ - ضرورت داشتن یک برنامه‌ی همه‌جانبه اقتصادی و سازندگی اجتماعی به خاطر تامین استقلال اقتصادی کشور.
- ۶ - ضرورت اجرای سیاست خارجی بر مبنای اتحاد با جهان سوم.

### ۱- ضرورت قبول رهبری امام خمینی

در هر زمان مشخص هیچ انقلابی بدون داشتن رهبری آگاه و واحد قادر بر حرکت پیروزمندانه به پیش نیست. تاریخ به ما می‌آموزد که رهبران راستین هر انقلاب کسانی هستند که مدافع منافع خلق اند، از درون خلق و همراه حرکت آن بیرون آمده و مورد حمایت و پشتیبانی اش می‌باشند. رهبری انقلاب اسلامی کشور ما در وجود امام خمینی متبلور شده است. او به عنوان یک پیشوای مذهبی در جدال بزرگ مردم ما علیه استبداد و امپریالیسم قاطعانه عمل کرد. به اصلاحات نو استعماری "انقلاب سفید" نه "گفت. ۵۰،

نخستین بار در ابعاد جدیدی به روی صحنه آمدند و نمایندگان برجسته جریان استقلال طلب از میان چهره‌های مختلف این جریان به طرز بارزی رخ نمودند. برای نخستین بار برنامه‌های مشخص مبارزه ضد امپریالیستی در زمینه‌های اقتصادی، مالی، سیاست داخلی، ارتش و سیاست خارجی عرضه شد و در صحنه مبارزه سیاسی به قضاوت توده‌های مردم گذاشته شد. ثانیاً، نیروهای چپ‌نما که ماهها بود به تهمت پراکنی علیه حکومت ملی مشغول بودند و اعتبار خود را نزد هواداران خود مدیون "آمریکائی" خواندن حکومت و روحانیت می‌دانستند، در تحلیل‌های کاذب خود با شکست روبرو شده و گمان‌گشان مجبور شدند از جنبش ضد امپریالیستی مردم و خواسته‌های ملی حکومت و رهبری انقلاب پشتیبانی نمایند. ورشکستگی مشی چپ‌نماها کمک مهمی به ایجاد روشنی در میان هواداران آنها و تقویت نیروهای راستین چپ یعنی کمونیستها و مبارزه برای تحقق امر ایجاد حزب پیشرو طبقه کارگر می‌باشد.

ثالثاً بدون شک پیشبرده همه‌جانبه‌ی کار تدارک ایجاد حزب و پیوستن سازمان‌ها و گروه‌های متعددی به کمیته‌ی تدارک ایجاد حزب یک عامل مثبت در اوضاع کنونی بود و نقش مهمی در تحقق راه اتحاد بزرگ ملی بعهده داشت و امروز این ستاد سیاسی بطور استوار

جز فتنه گری علیه جمهوری اسلامی و ایجاد پایگاهی محکم به سود ابر قدرت شوروی نخواهد بود.

درست به خاطر اخلاص ابر قدرت‌ها و حرکت انقلابی گری کاذب نه برنامه‌های اقتصادی توانسته طبق نقشه پیاده شود و نمارش ملی پاکسازی شده‌ای توانسته پا بگیرد. امروز ما هم در جبهه‌ی اقتصادی دچار هرج و مرج شدیدی می‌باشیم و هم در جبهه‌ی ارتش با ناراضی‌های عمومی افسران روبرو می‌باشیم.

ایران در سیاست خارجی هم عملاً پس از گروگان گیری در سفارت امریکا اگر متفرد نشده باشد دچار انفعال گردیده است. چنانچه به همین شیوه ادامه باید ابر قدرت شوروی و دول وابسته به آن خواهند بود که عملاً متحدین سیاست خارجی ایران خواهند شد.

### عوامل مثبت در وضع کنونی کدامند؟

اما این تنها یک روی سکه است. روی دیگر سکه را عناصر مثبت و سازنده مبارزه ضد امپریالیستی و مبارزه میان دو مشی در جنبش استقلال طلبانه تشکیل میدهد. مروری بر این دست‌سسته دوم داده‌ها حاکی از یک تحول کمی و کیفی به سود توده‌های خلق و به سود توده‌های استقلال طلب‌هاست. ما، ۵۰

آبهای جنوب ایران، ۲۴ لشکر در شمال و در مناطق مرزی مستقر کرده و علاوه بر این ۲۰ گردان سرباز و هزاران مستشار روسی را وارد افغانستان نموده، تعداد مستشاران روسی و آلمان شرقی را در عراق به بیش از ۱۲۰۰۰ افزایش داده و در یمن جنوبی بزرگترین پایگاه نظامی برون مرزی خود را با قریب به ۱۵۰۰۰ مستشار روسی و کوبانی تحت فرماندهی پیمان ورشو ایجاد نموده است.

در جبهه داخلی عوامل این دو ابر قدرت شدیداً فعال شده بخصوص عوامل ابر قدرت شوروی که بر اثر وجود سیاست مدارا جویانه نسبت به آن، در ماه‌های اخیر آزادانه در همه جا دست به فعالیت و گسترش نفوذ خود زده‌اند.

ب - انقلابی گری کاذب که یک جریان خرده بورژوازی می‌باشد، مواضع جدیدی را در سیاست ایران تسخیر نموده و با تمام نیرو برای انحصار قدرت سیاسی و پیاده کردن سیاستهای خود تلاش می‌کند. ناشی از بال و پر گرفتن این جریان است که امروز ما با مناقشات و تضادهای گوناگون در سطح حاکمین روبرو هستیم.

تضاد بین دولت بازرگان و شورای انقلاب قبلی به درستی حل نمی‌شود و بازرگان در آن فضا و شرایط نا مساعد محسوسه استعفا می‌شود اما

میهن ما ایران اکنون در وضع فوق العاده‌ای قرار گرفته است، وضعی که در سراسر ده ماهی گذشته پس از انقلاب کم نظیر بوده است.

وجود تضادهای مختلف در رابطه با درون و بیرون کشور وضع پیچیده‌ای را در ایران بوجود آورده اما مساله‌بر سر این است که این روزها این تضادها به مرحله‌ای از رشد خود رسیده و چنان حسدت یافته‌اند که ایران را به کوره‌ای گدازان که همه چیز در آن در حال جوش و خروش است، تبدیل کرده‌اند. از یکسو تظاهرات عظیم و دائمی میلیونها نفر از مردم علیه امپریالیسم و از سوی دیگر صف آزادی نظامی دو ابر قدرت در چهار سوی سرزمین، از یکسو نمایشات با شکوه وحدت و همبستگی ملی، از سوی دیگر انفجار مخاصمات قومی و ملی و منطقه‌ای. از یکسو صعود با شکوه نیروهای استقلال طلب راستین، از سوی دیگر پارس زنده‌سگان لجسام گسیخته امپریالیسم و سوسیال-امپریالیسم. از یکسو تأکید رهبری انقلابی امام خمینی توسط میلیونها نفر از توده‌های خلق، از سوی دیگر پیدایش قطب‌های متعدد قدرت. از یکسو وحدت نظر ارگانهای رهبری در خط عمومی استقلال و سیاست "نه شرقی، نه غربی"، از سوی دیگر مناقشه شدید و آشکار بر سر راهها و شیوه‌ها و برنامه‌های انقلابی...

## پیام کمیته تدارک ایجاد حزب به کلیه سازمان‌ها و گروه‌های چپ و طرفداران آنها

قریب ۱۰ ماه از پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم قهرمان میهن مان به رهبری امام خمینی - که منجر به سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه گردید - میگذرد.

طی این مدت در مبارزه برای تحقق اصل خلق "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" (بویزه رفاه زحمتکشان) - که هسته مرکزی آن را نیل به استقلال همه جانبه از امپریالیسم در کلیه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و غیره تشکیل میدهد جنبش توفان آسای توده میلیونی خلق ما گامهای موثر و مهمی به پیش برداشته است.

در مقابله با این حرکت تاریخ‌خاس، در صفحه ۴

## اعضا و هواداران حزب توده! دار و دسته کیانوری را طرد کنید

بقیه در صفحه ۴

رهبری طبقه کارگر و با توجه بوضعیت کنونی ایران که تحقق استقلال همه جانبه کشور از امپریالیسم و تامین آزادی و رفاه خلق، سه اصل اساسی در حرکت انقلاب به پیش می‌باشد، رهبری

مناقشه شدید و انتشار بر سر راهها و شیوهها و برنامه‌های انقلابی... ده ماه تجربه در ادامه انقلاب چه راهی را برای غلبه بر مشکلات کنونی پیش پای ما می‌گذارد؟ چگونه میتوان کلیه عوامل مثبت را در انقلاب کوه بسپارند به حرکت در آورد، همسو کرد و کلیه عوامل منفی را قدم به قدم از میان برداشت؟ جواب ما این است که باید روی خط مشی اتحاد بزرگ ملی یا فشاری کرد و راه اتحاد بزرگ ملی را در مقابل کوره راه رادیکالیسم کاذب و راه وابستگی به ابر قدرت شوروی در پیش گرفت.

وضع کنونی چگونه است، به نفع کدامین راه می‌باشد و چگونه میتوان وضعیت را به سود راه اتحاد بزرگ ملی که همان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، راه نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی است، تکامل بخشید و از حرکت ایران به سوی راه وابستگی به ابر قدرت شوروی و راه انقلابی‌گری کاذب جلو گیری نمود. در آخرین تحلیل انقلابی‌گری کاذب - وابستگی به این یا آن ابر قدرت آمریکا یا شوروی می‌انجامد، ولی به علت وضع جهان کنونی وضعیت امپریالیسم آمریکا به احتمال قوی به راه وابستگی به شوروی کشیده می‌شود و نمی‌توان آن را راه مستقلى خواند.

بگذارید قبل از پرداختن به توضیح راه اتحاد بزرگ ملی و مقایسه آن با راه‌های دیگر، کمی روی عوامل مثبت و منفی وضع کنونی مکت کنیم.

### عوامل منفی در وضع کنونی کدامند؟

**الف - میهن ما هم اکنون از چهار سو تحت محاصره نیروهای عظیم نظامی دوا بر قدرت و در معرض خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مداخله سوسیال - امپریالیسم شوروی قرار دارد.** امپریالیسم آمریکا به بهانه آزادی گروهانهای خود، ناوگان عظیم خود را از اقصی نقاط اقیانوس هند و آرام به سواحل جنوبی ما گسیل داشته و در دریای عمان مستقر کرده است و در همان حال پایگاه متعدد خود را در منطقه و در خلیج و همچنین سگ شکاری خود اسرائیل را برای زهر چشم گرفتن از ما، بسیج کرده است. سوسیال - امپریالیسم شوروی نیز به بهانه حمایت از ایران در صورت تجاوز احتمالی نظامی آمریکا "نیروهای نظامی عظیمی را از جمله ۳۰ کشتی جنگی در

نمی‌شود و بازرگان در آن فضا و شرایط نا مساعد مجبور به استعفا می‌شود اما استغای بازرگان هم با انتخاب شورای انقلاب جدید و تغییر پاره‌ای از وزراء این مناقشات و تصادمات را اساسا حل نمی‌کند و حتی از بعضی لحاظ متأثر از اوضاع حاد سیاسی جامعه، به شدت آنها می‌افزاید امروز ما شاهد اختلافات شدید بر سر مسائل اساسی سیاسی - داخلی و خارجی جمهوری اسلامی در عالیترین سطوح مملکتی می‌باشیم.

در سطح روحانیت نیز، تضادهای موجود دیرینه، بطور آشکارا خود را نشان داده و می‌دهند. - بورژوازی متوسط ایران که نقش قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد دارد، مایوسانه ناظر اوضاع بوده و عرصه بر او تنگ شده است.

ناشی از این دو عامل منفی یعنی اخلال و توطئه‌های ابر قدرت هاورشد انقلابی‌گری کاذب بر اریکه قدرت سیاسی عوامل منفی دیگری هم دروضع ایران به چشم می‌خورند.

- با رخدادهای اخیر قم (حمله مسلحانه به منزل آیت‌الله شریعتمداری) و بخصوص تیریز کشور ما بار دیگر تا مرز تکرار حوادث خونین کردستان پیش رفت. حوادث تیریز، که ظاهرا با مخالفت با بندهائی از قانون اساسی و با حرکات انحصارطلبانه صداموسیما جمهوری اسلامی آغاز شد، خیلی زود به آشوب و قیام علیه جمهوری اسلامی کشانده می‌شود قدرت طلبان دمکرات نما در زور آزمائی خود با انحصارطلبان خواستهای به حق توده‌ها را دستاویز قرار داده، اختلافات داخلی را به جنگ کشانده و راه را بر اخلال عمال دوا بر قدرت باز کردند و آذربایجان را به لب پرتگاه جنگ داخلی سوق دادند. اوضاع آذربایجان علی‌رغم قاطعیت امام خمینی، همچنان ناآرام بوده، با فتنه‌گری عمال ابر قدرت‌ها، با هر قدم کج دولتیان و یا هر تحریک شدیدتر قدرت طلبان به انفجار جدیدی خواهد انجامید.

- به دنبال آذربایجان، در ایران شهر واقع در استان بلوچستان نیز شورش بر پا گردیده، و ضرب الاجلی نیز به دولت مرکزی داده شد. چنین وضعی همچنین در ترکمن صحرا حاکم است و در کردستان نیز دار و دسته وابسته حسامی - بلوریان به علت سیاست‌های غلط و اشتباه آمیز دولت هر روز قدرت بیشتری میگیرد و نتیجه‌اش

و کیفی به سود توده‌های خلق و به سود نیروهای استقلال طلب می‌باشد. مبارزه ۱۰ ماهه خلق ما برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و بویژه مبارزه متمرکز و بزرگ ضد امپریالیستی که مردم مادرمه‌های اخیر بخاطر استقلال ملی علیه ابر قدرت جهان‌خوار آمریکا به پیش بردند، اکنون دستاوردهای متعدد و پر بارى به همراه داشته‌است.

الف - این مبارزه جهت عمده حرکت اجتماعی را بار دیگر به سوی مبارزه ضد امپریالیستی و مساله اصلی انقلاب در حال حاضر، یعنی مساله استقلال ملی، متوجه نمود. بدین ترتیب نه تنها به یکی از نیازهای اساسی و در واقع اساسی‌ترین نیاز انقلاب پاسخ گفته شد، بلکه همچنین جریان تاریک در مبارزه انقلابی، مساله دمکراسی را در شرایط کنونی عمده می‌کردند با خود به مجرای صحیح مبارزه کشاند.

ب - مبارزه‌ای که با مسئله گروهانها و خواست قطع رابطه با آمریکا و استرداد شاه آغاز شده بود، خیلی زود از مبارزه برای قطع رابطه با آمریکا (به معنی محدود آن) به مبارزه برای قطع وابستگی در زمینه‌های مختلف و بویژه در زمینه اقتصادی کشانده شد. و مبارزه بر سر راههای مختلف قطع بندهای وابستگی درانظار توده‌های میلیونی مردم آغاز شد. مردم ایران و نیروهای استقلال طلب دریافته‌اند که برای قطع رابطه با آمریکا کافی نیست که لانه جاسوسی آمریکا بسته شود، بلکه باید بتوانیم بندهای وابستگی اقتصادی خود به غرب و بخصوص به آمریکا را قطع کرده و مرات یک ربع قرن وابستگی همه جانبه را به دور افکنیم.

این تعمیق مبارزه ضد آمریکائی، از آن لحظه که مساله قطع رابطه را به ابعاد واقعی وابستگی کشانید، بطور ضروری مساله خودکفائی اقتصادی و بالاتر از آن اصل مقدس اتکا به نیروی خود را در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا طرح و تثبیت نمود. مردم ایران بطور اعم و نیروهای استقلال طلب بطور خاص دریافته‌اند که باید برای مبارزه تا به آخر علیه امپریالیسم آمریکا باید به خود متکی باشیم و نه به ابر قدرت دیگر، یعنی شوروی. برای برچیدن بساط آمریکا از عرصه‌های مختلف حیات جامعه باید بتوانیم نظام خودکفا و مستقل اقتصادی و اداری خود را جانشین داشته باشیم.

بی‌آمدهای سیاسی و ایدئولوژیک این حرکت، متعدد و بسیار غنی بود. اولاً، نیروهای استقلال طلب برای

عمل کرد. به اصلاحات نو استعمازی "انقلاب سفید" نه گفت. روی این مساله اساسی که "شاه باید برود" یا فشاری کرد. با تحمل سالها تحقیر و تبعید و با اعلام اینکه اکنون وقت شمیراست نه دعا، اسلام مبارز و نفوذ وسیع آن را در میان مردم به جبهه اصلی نبرد یعنی مبارزه با استبداد وابسته کشاند، قاطعانه به دفاع از منافع خلق و به ویژه، مستضعفین پرداخت. روی وحدت خلق در مبارزه یا فشاری کرد و این مبارزه را به طرف دست یافتن به پیروزیهای اولیه ولی مهم هدایت نمود. امام خمینی رهبر انقلاب و مورد پشتیبانی میلیونها زن و مرد ایرانی است.

اما امروز این رهبری به صورت‌های مختلف نفی می‌گردد. دمکراتهای قلابی غرب و شرق زده و چپ نماها تحت عنوان "دیکتاتوری تعلین" به آن می‌تازند و آن را "خطرناکتر" از فاشیسم قلمداد می‌کنند. عده‌ای از روحانیون مخالفت خود را با این رهبری در لفافه "جدائی مذهب از سیاست" ابراز می‌دارند. عده دیگری تحت عنوان اینکه "بت نسازید" به این رهبری حمله می‌کنند. کسان دیگری نیز در ظاهر خود را "مطیع" و "فرمانبردار" و یا "طرفدار" بی چون و چرای نظرات امام جلوه می‌دهند تا بتوانند تفسیرها و برداشتهای نادرست خود را تحت عنوان "نظرات امام" جا بزنند در حالی که امام بارها گفته‌است که سخنگو ندارد و چنین سوء استفاده‌هایی عملاً به دامن زدن به هرج و مرج و تفرقه و ایجاد ممانعت در برابر حرکت خود رهبری انقلاب اسلامی ایران میانجامد.

امروز خواستار تعدد مراکز قدرت در ایران شدن، بخصوص در شرایطی که دوا بر قدرت آمریکا و شوروی هرج و مرج و تفرقه اندازی را در ایران شدیداً دامن می‌زنند، گاملا به ضرر تحکیم و ادامه انقلاب می‌باشد. امروز هیچ نیروی سیاسی و اجتماعی در کشور ما نمی‌تواند از لزوم اتحاد طبقات و اقتدار مختلف خلقی سخن بگوید بدون اینکه لزوم قبول رهبری امام خمینی را در نظر بگیرد.

مارکسیست - لنینیست ها باید از واقعیات حرکت کنند. به نظرات توده‌ها و حرکت آنها احترام بگذارند و به خاطر هدایت مبارزه طبقاتی در جهت صحیح که با توجه به مرحله‌ی انقلاب و تحقق نهائی انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران تحت

حرکت انقلاب به پیش می‌باشد، رهبری امام خمینی را بپذیرند تا از حرکت توده‌ها عقب نمانند. تحقق اتحاد بزرگ ملی برای به ثمر رساندن برنامه فوق با رهبری امام خمینی و تحت شعار "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" امکان پذیر است.

## ۲- ضرورت قبول توده‌ها بعنوان نیروی محرکه انقلاب

اساس همه تحولات اجتماعی توده‌ها هستند و این یک امر بدیهی است. این توده‌های خلق بودند که بزرگترین تحول هفتاد ساله اخیر ایران را بوجود آوردند و انقلاب اسلامی ایران را به ثمر رساندند و هیچ دسته و حزب سیاسی و هیچ شخصیت و حتی رهبری نمی‌تواند منکر این امر شود. ده ماه گذشته را در نظر بگیریم. کدام تحول و تغییر و گام مهم در امر ادامه انقلاب برداشته ایم که توده‌های خلق نقش تعیین کننده در سرنوشت آنها را نداشته‌اند؟ کدام گام انقلابی را می‌توانیم بر داریم که در آن توده‌ها تعیین کننده نباشند؟ اما در بر خورد به توده‌ها اکنون دو نظر انحرافی و بیگ نظر درست دیده می‌شود.

نظر نا درست اول معتقد است که تحولات تاریخی کشور ما به دست خبرگان و متخصصین امکان پذیر است و توده‌ها نقشی در آن ندارند. ما شاهد نظراتی بوده‌ایم که نظرات و حرکت توده‌ها را بنهیج شمرند. هنگامی که میلیونها نفر به حمایت از جمهوری اسلامی برخاستند آنها بسا محکوم کردن جمهوری اسلامی ورد آن، توده‌ها را محکوم نمودند، هنگامی که توده‌های ملیت‌ها خواستهای خود را برای کسب حقوق به حق خویش مطرح کردند، با عدم اعتماد به آنها دست رد به سینه آنها زدند. بر خورد آنها همیشه این بوده است که شامی فهمید چه چیز برایتان خوبست ما برای شما تصمیم می‌گیریم.

نظر نا درست دوم از جانب کسانی داده می‌شود که از اعتقادات، احساسات و حرکت توده‌ها، برای قدرت نمائی، دست یافتن به قدرت و یا خفه کردن نظرات مخالف خود سوء استفاده می‌کنند. بقیه در صفحه ۲

۱ - ضرورت قبول رهبری امام خمینی.

۲ - ضرورت قبول توده‌های زحمتکش به عنوان موتور و نیروی اساسی

# ● با اتحاد بزرگ ملی ..

## ضرورت مبارزه، علیه آمریکا، شوروی و عمالشان، بخاطر ایجاد وسیع ترین جبهه متحد

**تجربه ده ماهی گذشته و اصول اوضاع طبقاتی و اجتماعی کشورمان نشان می دهد که تنها با وحدت رهبری و توده های وسیع نمی توان وحدت بزرگ را تامین کرد. در جامعه ای که طبقات و اقشار مختلف با نمایندگان سیاسی خود موجودند، در مبارزه سیاسی سابقه دارند و در ده ماهی اخیر هم قدرت و نیروی خود را نشان داده اند، در کشور ما قدرت های محلی و مذهبی موجودند که در صورت در پیش گرفتن سیاست صحیح به خوبی می توان همی آنها را متحد ساخت.**

ما امروز در برابر این واقعیت قرار داریم که در کشور ما نیروهای مختلف سیاسی با پایه های اجتماعی متفاوت و با مسلک ها و مکاتب مختلف موجودند. پاره ای از این نیروها متحد مسلح شدن هم پیش رفته و بعنوان یک قدرت سیاسی - نظامی عمل میکنند و عملاً دولت مرکزی را مجبور کرده اند تا آنها را در صحنه سیاسی به حساب آورند.

هنگامی که آمار ۲۱ میلیونی رفرا ندم ۱۵ فروردین را با آمار ۱۲ میلیونی انتخابات مجلس خبرگان و بالاخره ۱۵/۵ میلیون نفری رفرا ندم قانون اساسی را مقایسه می نمائیم روشن تر متوجه می گردیم که در کشور ما نیروهای قابل توجهی وجود دارند که حتی با قانون اساسی فعلی مخالف اند. حتی در میان کسانی که به قانون اساسی فعلی رای مثبت دادند هم بسیاری اختلافهایی دارند. اینها نیرو های شکل یافته ای هستند. دو بر خورد با آنها می توان نمود.

یکی سیاست " هر کس موافق من نیست دشمن من است " که این سیاست غلطی است و دیگر سیاست گوشش در حل مسائل مورد اختلاف و متحد شدن بر مبنای نکات اساسی که مورد توافق اکثریت عظیم است. این سیاست درست است و تنها سیاست عظیم ملت است. ما یعنی اکثریت عظیم ملت، تا

رابطه اخیر ایران و شوروی را داریم و کار نامه عمال شوروی در ایران را می شناسیم این است که می گوئیم اتحاد بزرگ ملی مان باید " نه غربی و نه شرقی " باشد.

اگر همیار " نه غربی و نه شرقی " در ایجاد اتحاد بزرگ ملی ما بکار گرفته شوند آن وقت قادریم از نفوذ مخرب عوامل غرب و شرق که در سربزنگاهان ایزت خنجر میزند جلوگیری کنیم. قادریم اتحادی برای استقلال کشور بوجود آوریم. قادریم اتحادی در دفاع از انقلاب اسلامی ایران که هر دو بر قدرت برای نقشه های سلطه گرایانه جهانی خود و طرح های مربوط به منطقه خاورمیانه شان تاچارند برای از میان برداشتنش تلاش کنند بوجود آوریم.

همانطور که در بالا گفتیم در برابر این مشی و راه اتحاد بزرگ ملی با مضمون نه غربی و نه شرقی دوره دیگر اخلاخل میکند - راه وابستگی به ابر قدرت شوروی که توسط دارودسته کیانوری حزب توده ایران ارائه میشود و متأسفانه در ماههای اخیر بعثت رشد انقلابی گری کاذب جناح های حاکم زمینه مساعدی برای رشد یافته است.

ما در نوشته های دیگر مفصلاً درباری راه وابستگی به ابر قدرت شوروی نوشته ایم در اینجا تنها به آن اجمالاً " برخوردار کرده و تمرکز را روی راه انقلابی گری کاذب که کمتر در باره آن صحبت کرده ایم می گذاریم.

**راه وابستگی به ابر قدرت شوروی:** این راه که توسط حزب توده ارائه میشود. دشمن عمده و سد اساسی پیشبرد راه اتحاد بزرگ ملی می باشد. بر طبق این راه، عمال شوروی خواهان ایجاد یک اتحاد برای برقراری یک نظام فاشیستی وابسته به روسیه هستند. آنها دودوزه بازی میکنند. از یک طرف به ما موافق جمهوری اسلامی کار میکنند، از سوی دیگر در جبهه نظامی ضد جمهوری اسلامی می جنگند و هنگامیکه میزد آذره بمیان می آید بعنوان نماینده قیام کنندگان پای میز مذاکره می آیند. این نظریه در تضاد با بنیاد اتحاد بزرگ ملی یعنی اتحاد در برابر قدرتهای آمریکا و شوروی است.

این نظریه که از جانب عمال مسکو جلو می رود هسته مرکزی تهاجم علیه کمونیستهای راستین ایران است که قاطعانه علیه این رویزونیستهای ستون پنجم شوروی مبارزه میکنند، تهاجم علیه نیروها و شخصیت های استقلال طلب که آشکارا مردم را بنقش هر دو ابر قدرت آشنای سازند و بالاخره تبلیغ غلبی و آشکار بنفع سوسیال امپریالیسم شوروی و لزوم پیوستن کشور ما به اردوی

معمولاً " در اول کار هم این نمایندگان راه انقلابی گری کاذب، خود نمی دانند به کجا می روند. فیدل کاسترو که انقلاب کوبا را علیه باتیستا به پیروزی رهبری کرد، خود در آغاز از مخالفین وابستگی به شوروی بود و احساس مردمش را که برای سالها زیر یوغ امپریالیسم یانکی بودند خوب درک میکرد، اما تدریجاً درست بخاطر نفرتی که مردم کوبا از آمریکا داشتند و درست بخاطر اینکه هیات حاکمه کوبا دچار انقلابی گری کاذب در عمل وابستگی به شوروی هر روز بیشتر گردید، تا جایی که فیدل کاسترو این وابستگی را به سطح تئوری رساند و بعنوان یکی از مبلغین نوین استعمارگران روسی، آنرا توجیه نمود. راه انقلابی گری کاذب، از احساسات توده ها سوء استفاده میکند و بجای بالا بردن آگاهی توده ها، توضیح مسائل و مشکلاتی که بر سر راه انقلاب موجود است، ماجراجویی را پیش نموده و جنبش خود بخودی توده های رادامین میزند.

راه انقلابی گری کاذب اقشار بینابینی جامعه را مورد حمله قرار داده و با انحصار طلبی خاص خود دامنه ای اتحاد بزرگ ملی را محدود مینماید. راه انقلابی گری کاذب بالا جبارزمینه را برای اتحاد دارودسته کیانوری، چپ نماها و بخشی رادیکال از مسلمانان مبارز فراهم میسازد و امروز ما شواهدی از این حرکت را در کلیه زمینه ها می بینیم.

بی خود نیست که پاره ای از نیروهای مسلمان، خط امام را به نادرستی خط مبارزه علیه آمریکا و تنها آمریکا، تفسیر میکنند و بدون حد نگهداری سرمایه داری را بطور کلی و استثمار را بطور عمدی مورد حمله قرار میدهند.

بی شک بزودی ما شاهد حرکت بخشی از چپ نماها بسوی این انقلابی گری کاذب خواهیم بود. آنها افتادن بازرگان را بفال نیک گرفته و مسئله گروگان گیری را بعنوان ایجاد شرایط برای حرکت بسوی این اتحاد تلقی نموده اند. دارودسته کیانوری حزب توده تلاش دارد نقش میانجی گری در این رابطه بازی نماید.

انقلابی گری کاذب که اکنون در سطوحی در بالا راه یافته خطر بزرگی را برای مبارزه انقلابی میهن ما برای استقرار اتحاد بزرگ ملی علیه ابر قدرتها و بویژه برای مبارزه علیه نفوذ امپریالیسم شوروی بوجود آورده است.

هرج و مرج اقتصادی کشور ما وعدم فعالیت با نقشه و همه جانبه برای سروسامان دادن به آن، بی شک تاحدی

امریکا را با تکیه به دخالت شوروی و تهدید شوروی را با تکیه به دخالت آمریکا جواب گوئیم. بعضی ها فکر میکنند که ما باید با شوروی متحد باشیم و از این راه است که استقلال ما حفظ میشود. از اینها می پرسیم چند نمونه از این کشورها را بهمانشان دهید که مستقل هم باشند. آنها قادر بارائه چنین نمونه هایی نیستند. زیراکلیه کشورهای که نظیر مصر یا ویتنام در مبارزه با ابر قدرت به ابر قدرت دیگر تکیه کردند عملاً " به دنیاچه این یا آن ابر قدرت تبدیل شده اند. دفاع ملی ما باید استوار باشد. این و تنها این سیاست صحیح دفاع ملی ما است. دفاعی که قادر بدفاع از استقلال کشور و انقلاب اسلامی آنست.

ارتش منظم، ستون فقرات سیستم دفاعی هر کشور مستقل است. سیستم دفاعی کشور ما بدون این ستون فقرات بدن لسی است که همه نیرو هایش بکار نمی افتد. ارتش جمهوری اسلامی هر چند که اداه ارتش شاهنشاهی سابق است، لیکن همانطور که بارها متذکر شده ایم، اولاً بدنه اصلی اش را زحمتکشان تشکیل میدهند، ثانیاً در درون خود دارای یک سنت مبارزه با استبداد و امپریالیسم دارد. ثالثاً با تصفیه رده های بالای آن که عده ای وابسته به رژیم سابق بودند سیستم فرماندهی آن تاحدودی پاکسازی شده است و بالاخره روحیه ملی گرائی در ارتش ریشه دارد.

در شرایط حساس کنونی باید کوشید که اولاً " پاکسازی را با سیاست تصفیه عوامل وابسته به دو ابر قدرت و رژیم سابق به پیش برد. ثانیاً " ارتش را به روحیه ضد امپریالیستی و دفاع از استقلال کشور هرچه بیشتر مسلح نمود و یک جنبش بزرگ سیاسی در ارتش بوجود آورد تا عمیقاً " با انقلاب اسلامی مستمر گردد.

امروزه عوامل سوسیال - امپریالیسم شوروی تلاش و افری دارند تا در ارتش نفوذ کنند و باصلاح خودشان جناح مترقی یعنی طرفدار شوروی در آن ایجاد کنند. باید قاطعانه با آنها مبارزه نمود. سلاح قدرتمند در این رابطه کار توضیحی و افشاکری در درون ارتش است.

در درون ارتش باید روحیه برادری را بجای روحیه استبداد مافوق و اطاعت کورکورانه زمان طاغوت نشانده و آنرا با یک انضباط آگاهانه همرا ساخت. و بالاخره باید با تسریع در ایجاد صنایع نظامی ملی تا حد ممکن ارتش را از وابستگی به سلاحهای خارجی بی نیاز ساخت. در تمام این موارد

توسط امپریالیسم ما را حل کند، اگر ما نتوانیم کشوری مستقل و متکی بخود از نظر اقتصادی بوجود آوریم، دیر یا زود در جبهه مبارزات سیاسی برای کسب استقلال همه جانبه کشور از امپریالیسم با شکست روبرو خواهیم شد. رژیم منفر و وابسته سابق، کشاورزی ایران را که تاحدی خود کفا بود به سوی اضمحلال کشاند و سالانه میلیاردها تومان از جیب مردم ماصرف خرید گندم، جو، ذرت، برنج، گوشت تخم مرغ و لبنیات نمود. حتی علوفه و مواد غذایی مورد نیاز دامها و طیور کشور را از خارج وارد نمود. رژیم سابق صنعت کشور ما را بیک صنعت مونتاژ وابسته تبدیل کرد و سیل مستشاران خارجی را برای اداره این صنایع به ایران کشاند. این رژیم صنایع نمایشی ایجاد کرد و اقتصاد کشور ما را به نفت متکی ساخت.

امروز سه نظریه در مقابل هم در این زمینه وجود دارد: یکی نظر عوامل وابسته به بیگانه بویژه دو ابر قدرت آمریکا و شوروی است که یا محصور قدرت اقتصادی امپریالیسم آمریکا هستند و مبارزات مردم را در جهت قطع نفوذ این امپریالیسم مضردانسته و بدنیال هجزه های آنی هستند در حالیکه مردم ما سیاست چپا و لگرنه ای این امپریالیسم را سالهاست امتحان کرده و صدمات سختی از آن دیده است، و یا تلاش مذبحانه ای برای وابسته نمودن ایران به امپریالیسم نوحاسته ی روس میکنند و در باغ سبز به مردم نشان میدهند، در حالیکه مردم ما طی همین دوری کوتاه ۱۵ ساله دیده است که این چپا و لگرنه نفس تا چه حد فقط از یک قلم از فروش ذوب آهن و خرید گاز ایران سود برده است.

نظریه نادرست دیگر که از طرف انقلابی گری کاذب مطرح میگردد نادیده گرفتن نقش بورژوازی ملی در تقویت اقتصاد مستقل کشور و برای عقب نماندن از سیاست " راه رشد غیر سرمایه داری " دارودسته کیانوری که همانا تقویت سرمایه داری دولتی و کشاندن کشورمان به زیر نفوذ سوسیال - امپریالیسم و در نتیجه حاکم گرداندن. دیکتاتوری فاشیستی دولتی میباشد، سیاست محدود کردن سرمایه را تا حد ناپود کردن بورژوازی متوسط میکشاند. آنها فراموش میکنند که بدون استفاده از امکانات مادی و مدیریت موجود ملی، اداره اقتصاد کشور تا به آن حد دستخوش ضعف خواهد شد که بالا جبار متوسل به کشورهای خارج خواهیم شد. نمونه کشورهای عربی در جلوجوشم است. نظر سوم که نظر مارکسیست

رای داشتند رسید؟ آیا توده ها از انقلاب برگشته بودند؟ به طور حتم و یقین خیر. دلیل همان بسر خورد نا درست به آنها بود. و آنگاه که در جبهه مبارزه علیه امپریالیسم امریکا توده های خلق به حرکت در می آیند علیرغم اعتراضات و انتقادات بسیار زیادی که به طرح قانون اساسی بود بیش از پانزده میلیون نفر بدان رای مثبت دادند.

است. ما یعنی تحریت عظیم ملت ، قادریم با هم متحد شویم و این اتحاد ما برای آنچه به خاطرش تنها در طی دو سال گذشته بیش از شصت هزار شهید داده ایم حیاتی است. دیگر تکرار نمی کنیم که ضرورت این اتحاد در وضعیت کنونی از سوی همه کسانی که صادقانه از استقلال کشور، از انقلاب اسلامی دفاع می کنند و قلبشان به خاطر منافع والای خلق می تپد احساس می شود.

اما چنین اتحاد حیاتی تنها می تواند بر مبنای ضابطه معینی عملی شود و به خاطر آن باید با موانع متعددی دست و پنجه نرم کرد و آنها را از سر راه برداشت. این اتحاد چرا حیاتی است؟ برای آنکه ما با دشمنان غداری روبرو هستیم که اگر همه نیرویمان را متحد نسازیم قادر به روپاروشی با آنها نمی باشیم. این دشمنان غدار مرحله کنونی انقلاب، امپریالیسم امریکای سوسیال - امپریالیسم شوروی و عمالشانند. این البته بدان معنا نیست که امپریالیستهای دیگر، دوستان ما هستند. اما در شرایط کنونی جهان، دیگران در موقعیتی نیستند که استقلال کشور ما را به خطر اندازند. فعلا این دوا بر قدرت جهان خوارند که توانایی چنین کاری را دارا هستند. و از آنجا که بدون استقلال ما هیچ نداریم و اگر چیزی هم داشته باشیم ظاهری و گذرا است در نتیجه اتحاد ما باید "نه غربی و نه شرقی" باشد. والا هم عوامل غربی و هم عوامل شرقی در اتحاد ما سوخ می کنند، آدم میکارند و به انتظار می نشینند و سر فرصت از پشت خنجر می زنند. بعضی ها فکر می کنند اگر اتحاد، فقط ضد غربی باشد کافی است. ما این را قاطعانه رد می کنیم اشتباه ن کنید این مرز بندی ما بنا بر دلائل ایدئولوژیک یعنی مرز بندی ما با روبریونیسم شوروی نیست. خیر دلائل ما برای مرز بندی با شرقی بودن بر پایه دفاع از استقلال کشورمان استوار است. مگر ما نا بینا هستیم که نبینیم سوسیال - امپریالیسم شوروی با افغانستان چه می کند، با اریتره چه می کند، مگر ما کور و کر هستیم که حرکت جهانی شوروی و عمالشرا نشنویم و نبینیم و حلقه محاصره ای را که مسکو در خاور میانه می کشد مشاهده نکنیم؟

درست به دلیل آنکه اینها را می بینیم و می شنویم و تجربه دو دهه، امروز ما با مسائل متعدد و وظایف گوناگونی در پیشبرد انقلاب روبرو هستیم. امروز ما در یک جنبش ضد امپریالیستی درگیر هستیم که طبق شواهد زیادی در تکامل بعدی خود به یک حرکت بزرگ و ملی علیه دوا بر قدرت مبدل خواهد شد. شرط اساسی پیروزی در آن برانگیختن توده ها برای پیشروی در این مبارزه است. مسائل این مبارزه را باید باز و صریح با توده ها در میان گذاشت. فایده نخواهد داشت به طور رسمی بگوئیم فلان مسئول مملکتی به دلیل زیادی کار استعفا کرد در صورتی که همسایه می دانند که او به دلیل داشتن اختلاف سیاسی ناچار به استعفا می شود. فایده ندارد در حالی که دست شوروی در همه حوادث کردستان آشکار است بگوئیم فقط امریکا هست که اخلاق می کند و فایده ندارد که بخواهیم با تبلیغات دهن پرکن مسائل را حل شده بنماییم. مخفی کردن این گونه مسائل از توده ها مشکلات را حل نمی کند مگر نمی خواهیم با تکیه به همین مردم مسائل و مشکلات را حل کنیم پس چرا حقایق را همان طور که هست به آنها نگوئیم و آنها را برای حل این مسائل دعوت نمائیم.

توده ها را باید در همه کارها اساس قرار داد. نقش رهبری کننده در آنجاست که حقایق را همان طور که هستند برای توده ها باز گو کنند. رابطه همه مسائل را همان طور که هستند برای آنها بشکافند و بگذارند آنها خودشان تصمیم بگیرند. روحانی مبارز آیت الله منتظری هفته پیش به درستی اشاره کرد که بگذارید خود مردم بفهمند چه چیز درست و چه چیز نا درست است. هر چه که مضر بحال استقلال کشور، به حال آزادی و عدالت اجتماعی باشد مورد قبول توده ها قرار نمی گیرد. مگر رژیم شاه با آن همه تبلیغات گوش خراش توده های خلق را فریب داد؟

شوروی و لزوم پیوستن شورما به ادوای مسکو. این راه بسته به شیوه های مختلف کار میکند، سازمان های مختلف را به اشکال گوناگون به راه می اندازد. امکانات وسیع امپریالیسم نوحاسته شوروی در کلیه زمینه ها و سازمان ها، ک.ب.ب پشت این خط دو راه می باشند. از خریدن افراد و شخصیت های سیاسی نمی گذرد، دستگاه های ترور برای نابودی شخصیت های مستقل و دوا بر قدرت بگاری اندازد.

لباس "دوست طبیعی" انقلاب ایران را می پوشد، از طریق اقرار خود مانند کوبا و ویتنام که امروزه در جهان بعنوان نیروی ضربتی سوسیال - امپریالیسم عمل می کند، دامنه نفوذ خود را گسترش می دهد، رقابت خود را با امپریالیسم آمریکا بعنوان پشتیبانی از انقلاب ایران جلوه میدهد و در آخر با نفوذ در ارتش و ایجاد پایگاهی در آن، نقشه کودتا را طرح میریزد و مانورهای افغانستان را در جلو چشم خود داریم.

راه انقلابی کاذب: پس از انقلاب از طرف جناح هایی از حاکمین نظراتی که جنبه افراطی داشت و ما آنها را رد می کنیم کاذب نامیدیم ابراز می شد. اما در چند ماه اخیر این نظرات تدریجا شکل همه جانبه ای بخود گرفته و در کلیه زمینه ها و در کلیه مسائل خود را نشان داده است و تمام شواهد حاکی از آنست که به یک راه که نمایندگان سیاسی خود را هم در ارگانهای رهبری انقلاب دارد تبدیل شده است. بهمین خاطر شناساندن این راه و مبارزه با آن دیگر وظیفه ایست مبرم و اساسی.

مضمون اساسی این انقلابی کاذب را حمله به سرمایه داری ملی تشکیل میدهد. در حقیقت این انقلابی کاذب از خاستگاه اجتماعی خرده بورژوازی حرکت میکند، با قبول باره ای از جوانب سوسیالیسم تخیلی در عمل در دام نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" عمال ابر قدرت روسیه می افتند. اساس تز "راه رشد غیر سرمایه داری" چیزی جز سپردن قدرت به خرده - بورژوازی، تقویت دستگاه های بوروکراتیک اداری و نظامی (از طریق دولتی کردن عمده ی وسائل تولید و توزیع) و تکیه به امپریالیسم روس برای "رشد" اقتصادی نیست. در این نوع جوامع بنا بر ما هیتش معمولاً "یک دیکتاتوری سیاه فاشیستی" وابسته بوجود می آید. نمونه ی کوبا و افغانستان نمونه های قابل فهمی برای ما هستند.

سرو سامان دادن به آن، بی شک تاحدی ناشی از این انقلابی کاذب است. توسعه ی بخش اقتصاد دولتی، هنگامیکه بخش اقتصاد خصوصی زیر ضربات شلاق انقلابی کاذب قرار میگیرد، بی شک نتیجه ای جز ایجاد دل سردی در میان بازرگانان و صاحبان صنایع ملی نخواهد داشت. در این اوضاع انقلاب ایران، که مقاومت متحد و عمده های بویژه در جبهه ی اقتصادی را از همه طلب میکند، انقلابی کاذب و حمله به سرمایه داری و استثمار بطور کلی نادرست بوده و خسارات جبران ناپذیری را بار خواهد آورد.

باید در اینجا روی عامل دیگری که جبهه ی وسیع خلق را محدود میکند انگشت گذاشت و آنهم نظریه ایست که حقوق ملیتهای ایران را در تعیین سرنوشت خود نادیده میگیرد. این نظریه نیز نفی کننده اتحاد بزرگ ملی است، چرا که بغیر از همه اصول و تجارب قبلی در ده ماه گذشته دیدیم و تجربه کردیم و ثابت شد که ملیتهای کشور ما دارای خواسته های معینی در چهار چوب استقلال کشورند - آنها خود مختاری میخواهند. اگر خود مختاری آنها بر سمیت شناخته نشود با آنها اتحاد نمیتوان کرد. و نه تنها این بلکه جریانهای سیاسی وابسته قادرند از این خواسته برحق آنها سوء استفاده کرده و حرکتی بوجود آورند که نه تنها اتحاد بزرگ ملی بلکه تمامیت ارضی کشور را تهدید میکند.

## ۴- ضرورت وجود ارتش های نیرومند

در حالیکه استقلال کشور ما توسط دوا بر قدرت امپریالیستی امریکا و شوروی تهدید میشود، در حالیکه رقابت جهانی این دوا بر قدرت جهان و خاور میانه را بلبه پرتگاه جنگ جهانی کشانده است ما برای آنکه از استقلال خود پاسداری کنیم و شرایط مناسبی برای حل تضادهای داخلی و رشد و شکوفائی کشورمان بوجود نمائیم. در جهان امروزی هر کشوری که از لحاظ دفاع ملی خویش ضعیف و ناتوان باشد متحمل زورگویی دیگران و در درجه اول دوا بر قدرت میشود، عده ای هستند که فکر میکنند دفاع ملی ما باید بر مبنای توازن قوای بین المللی استوار باشد. یعنی تهدید

بهریز ساخت. در تمام این مورد باید افسران میهن پرست را بسیج نمود و توانائی های آنان را شکوفا ساخت. امروز بجای پاکسازی و تقویت ارتش حرکت از بی اعتمادی به ارتش، ایجاد قطبهای مسلح دیگر که کارشان همسوئی با ارتش در دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشورمان نباشد، نادرست بوده و باعث تضعیف نیروی دفاعی کشورمان در قبال تجاوزات خارجی خواهد شد. ایجاد ارتشهای خصوصی تحت هر عنوانی کشور ما را به لبه ی جنگ داخلی بین دارندگان این نیروهای مسلح و نوعی ملوک الطوائفی میکشاند و ارتش منظم ملی را تضعیف میکند، ارتشی که وظیفه اساسی اش مبارزه با تجاوز خارجی و دفاع از سرحدات و استقلال کشور است.

انحلال ارتش نیز آنطور که چند ماه پیش توسط چپ نماها مطرح شد نادرست است و به حکومت خان خانی ارتش خلقی آنطور که آنها ادعا میکنند در شرایط کنونی انقلاب کشور ما میسر نیست و شعاری تحقیرناپذیر است. اما دفاع از استقلال کشور تنها با ارتشی منظم ممکن نیست. سیاه پاسداران بعنوان نیروی مسلح منطقه ای و ایجاد سازمان شبه نظامی توده ای - یعنی ارتش بیست میلیونی امام خمینی که همه ی افراد ملت از زن و مرد را در بر میگیرد در عین اینکه وظیفه ی اساسی آن تولید و نوسازی کشور است - در کارخانه ها، روستاها، دانشگاهها، مدارس، مساجد، بیمارستانها و سایر موسسات خدماتی، که کاملاً با ارتش منظم همسوئی داشته باشند - چنان سیستم دفاعی کشورمان را تقویت میکنند که ایران را بیک دژ تسخیر ناپذیری در برابر هر تجاوز خارجی هر چند قدرتمند تبدیل خواهد کرد.

## ۵- ضرورت بافشاری روی دانشن برنامه اقتصادی مستقل

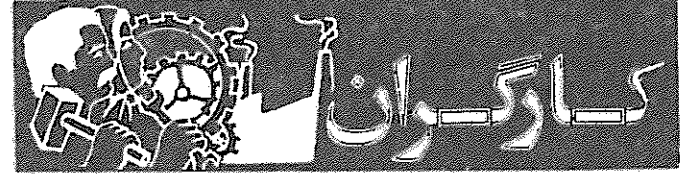
اگر ادامه ی انقلاب در جبهه ی استقلال سیاسی به ادامه ی انقلاب در بخش اقتصادی کشانده نشود. اگر انقلاب در ادامه ی شکوفا شدن خود نتواند معضلات اقتصادی کشور غارت شده

لنینیستهای واقعی است معتقدند برای رسیدن به اقتصاد ملی و مستقل و متکی بخود باید کلیه ی طبقات خلقی، کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی در این کارزار شرکت کنند لذا باید منافع کلیه ی این طبقات را در نظر گرفت. جلوگیری از استثمار بجرمانه کارگران، حل مساله زمین بسود دهقانان بر اساس شعار "زمین متعلق به کسی است که آنرا میکارند" ایجاد تعاونیهای تولیدی روستائی توسط خود دهقانان بصورت دوا طلبانه، کمک به موسسات تولیدی و خدمات متعلق به خرده بورژوازی برای رونق بخشیدن به آنها و دفاع از منافع اقشار روشنفکری برای اینکه نیروی خود را وقف پیشبرد انقلاب نمایند، حمایت و پشتیبانی از سرمایه داران ملی در صنعت و کشاورزی برای اینکه در این مبارزه بخاطر خود کفائی کشور و بالا بردن سطح تولید با شور و شوق کار کنند، و بالاخره ملی کردن صنایع وابسته و از بین بردن بقایای فئودالیسم و سیستم بزرگ مالکی وابسته، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای جهان سوم خرید کالاهای مورد نیاز دیگر از کشورهای جهان دوم بجای رو آوردن به امپریالیسم امریکا و شوروی.

بدون بسیج توده های میلیونی برای نوسازی اقتصاد کشور و رشد و ترقی دادن آن نمیتوان بیک سیستم اقتصادی نیرومند و متکی بخود و خود کفارسید. چنین است برنامه اساسی ما برای نوسازی اقتصاد مستقل کشور.

## ضرورت اجرای سیاست خارجی بر مبنای اتحاد با جهان سوم

روابط خارجی کشور ما در اوضاع حساس کنونی بخشی تفکیک ناپذیر از حرکت داخلی کشور ما است. ما باید با دشمنان باز و پدید روشن این روابط را که هم به اقتصاد ما، هم به فرهنگ، و هم به قدرت دفاعی ما و بطور کلی تر به انقلاب اسلامی و آینده کشورمان مربوط است، تعیین نمائیم. روابط خارجی کشور ما مستقیماً با مسئله دوستان و دشمنان، در سطح جهانی مربوط بوده و در این رابطه است که باید معیاری روشن که همه جانبه هم باشد اختیار کرد. این معیار استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ما است. آن دسته از روابطی که در خدمت استقلال کشور بقیه در صفحه ۴



# ما خواستار

## افشای غارت گاز هستیم

سندیکی مشتری کارکنان صنعت نفت، طی بیانیهای که انتشار داد، از دولت و شورای انقلاب، راجع به پروژه گاز کنگان و مسائل پشت پرده آن سؤال نموده است. در این بیانیه آمده:

"یکی از ویژگیهای انقلاب، افشای نمودن خیانتهای سران مزدور گذشته است. یکی از خیانت هائی که پشت درهای بسته انجام گرفت. مسئله طرح شاه لوله دوم گاز برای استفاده از ۱۵ میلیارد متر مکعب گاز مکشوفه ناحیه کنگان و قسمتی از مخزن گاز پارس است. گاز این نواحی قرار بود از سال ۱۹۸۱ از طریق این لوله به روسیه و سپس کشورهای اروپائی، فرانسه، آلمان و اتریش فرستاده شود. ما مصرا خواستار افشای فعالیت های پشت پرده در مورد بهره برداری از این گاز هستیم، تا ملت قهرمان ایران آگاه باشند که دارای این منابع عظیم

انرژی هستند و علاقه فراوانی بر قدرتها به ایران به خاطر چیست. بیانیه سندیکی مشتری کارکنان صنعت نفت نمونه روشنی از هشجاری و آگاهی طبقه کارگران ایران و عزم راسخ آنها برای ادامه انقلاب ضد امپریالیستی میهن و خاتمه دادن به چپاول و غارت کشور توسط قدرتهاى امپریالیستی جهانخوار است. ما از خواست به حق کارگران برای افشای طرح غارتگرانه به اصطلاح بهره برداری از منابع گاز کشور توسط امپریالیسم روسیه که در زمان رژیم منقر گذشته در پشت درهای بسته منعقد و به مرحله اجرا درآمده، پشتیبانی می کنیم و از دولت و شورای انقلاب می خواهیم که جزئیات این چپاول امپریالیستی را که توسط ابر قدرت روسیه به ما تحمیل شده است با مردم در میان بگذارند.

## کارکنان اداره بندر بوشهر علیه جهانخواران

با ادامه و رشد انقلاب، قشرهای بیشتری از هم میهنان مبارز به میدان می آیند و آمادگی خود را برای نبرد با دوا بر قدرت جهانخوار آمریکا و روسیه اعلام میدارند.

آگاهی از دشمنان اصلی خلقهای میهن و وحدت بر این اساس، روند سدنپذیری است که مزدوران رنگارنگ دوا بر قدرت و مماشات گران با آن نخواهند توانست از راه پیمائی پیروزمندش جلوگیری کنند.

اعلامیه ای از طرف گروهی از کارکنان ضد امپریالیست اداره بندر بوشهر منتشر شده که نمونه ای از این گرایش سدنپذیر علیه دوا بر قدرت و برای استقلال و ادامه انقلاب است. بخش هائی از آنرا در زیر میخوانید.

اعلامیه شماره یک  
همسنگان و همکاران عباد



## توزیع خوراک دام و اخلاص خانها

دامداران کوچک فارس از نظر تامین علوفه دام در مضیقه هستند و با آنها اجحاف میشود.

همه ساله مقدار ۱۹۵۰ تن جو از طرف سر جنگلداری برای توزیع در سراب، بهرام نورآباد، فراشند، کازرون، قیر و فیروزآباد تحویل می شود. که باید توسط چندین مددکار بین دامداران توزیع گردد که تاریخ توزیع از طریق رسانه های گروهی برای مراجعه دامداران اعلام می شود. مشکل دامداران کوچک این است که چون جو را به مقدار کم نمی فروشند، آنها باید با چند دامدار مشترکا "پول جغ آوری کرده و مقدار بیشتری دریافت کنند و از آنجا که اینها اکثر کم پول و فقیر هستند، قادر نیستند بطور نقد جو خریداری کنند، لذا ناچارا جو را از محتکران به قیمت گرانتر، اما نسیه میخرند.

علاوه بر این عشایر، ۱۰۰۰ تن سهمیه دارند که این مقدار تحویل انبار هائی که در مناطق مرکزی عشایر ساخته شده داده میشود. از آنجا که این مقدار بسیار ناچیز است، باعث درگیری های فراوان، تا حد زد و خورد میشود.

متنفذین محلی هم در توزیع اخلاص می کنند. مثلا در روستای تخته که یک انبار علوفه موجود است مقدار ۷۰ تن جو جهت توزیع تحویل داده شده و یک مددکار هم برای توزیع اعزام گردیده است. برخی از خانهای طاغوتی به مددکار مراجعه کرده و درخواست مقدار زیادی جو مینمایند. مددکار هم عنوان میکند اگر من بطور عادلانه تقسیم کنم بهر نفر حدود ۳۰۰ کیلو خواهد رسید از کجا به شما چندین تن بدهم؟ ولی خانها او را تهدید می کنند و وی هم مجبور میشود بدون توزیع به شیراز باز گردد. هدف اصلی این خانها ایجاد اغتشاش بین عشایر و روستائیان و ایجاد ناراضی و فراهم کردن زمینه برای توطئه های بعدیشان است.

با توجه به اینکه احداث انبارهای علوفه بر مبنای احتیاجات همه جانبه محلی نبوده، بسیاری از دامداران سر راه، از این انبارها محرومند.

با قدرت خرید ندارند. مقامات مسئول باید به این مشکلات رسیدگی کنند و امتیازاتی برای دامدارانی که قدرت مالی نداشته و قادر نیستند بطور نقد علوفه خریداری نمایند، قائل شوند.

نامه ای از عشایر کرمان اراضی از دست رفته ما را تحویلیمان دهید

" دبیر محترم روزنامه رنجبر "

احتراما، صدای حق طلبانه عده ای مستضعف را به عرض، جهت درج در روزنامه رنجبر که حامی مستضعفین می باشد، می رساند.

ما عشایرین و خورده مالک که کشاورزیمان وسیله خود اداره و توام با دامداری می بود، در رژیم ظالمانه وسیله مامورین استعمار گر ار کفمان خارج و به دست عده ای مستکبر داده اند. با تصرف مدیران کل اصلاحات ارضی، پولداران، پلو داران، پارتنی داران تعدادی زیاد روی زمین های فدویان موتور بمب نصب و پول بانک های کشاورزی را غارت نموده اند. این عمل باعث سقوط دامداریمان و خشکیدن باغات مرکباتی فدویان گردید که درختهای خشکیده چندین ساله شاهد این مدعاست. ناچار جهت تامین معاش روزمره عائله های سنگین خود رو به شهرستانها آورده و به قول ترکها (گچمزگرد چیخما زجان)

در سال ۵۷ که با صدای الله اکبر امام خمینی برای سرنگون کردن رژیم پهلوی جان در کف آماده هر گونه فداکاری بوده و هستیم (بها میدی که گیرد کار صورت) از پیروزی انقلاب تا کنون آنچه عرایض مظلومانه خود را از تعدیات به قول آقای خمینی: پنجاه و چند ساله به عرض اولیای امور رسانده ایم توجهی مبذول نفرموده اند. حال عده قلیلی که با دامداری خیلی نا چیز اشتغال ورزیده ایم به امیدگی اراضی از کف رفته مان مجددا از متجاوزین مسترد و تحویلیمان میگردد چشم انتظاریم، عده ای که دیگر سه تنانک کل نه هم گدایانند.

## گزارشات شهرستانها

### یاد بود شهدای

### ۲۳ تیر بیمارستان امام رضا (مشهد)

جمعه ۲۳ تیر ما سالگرد حمله غداره بندان رژیم طاغوت به بیمارستان امام رضا است که طی آنها جنایت کاران رژیم کودکان را به خون کشیدند و برگ سیاه دیگری بر کارنامه سنگین شان افزودند.

اما بشکرانه ای جانبازی خلق، خون بر شمشیر پیروز شد و امسال در ایران انقلابی مردم شهید داین عزیزان شهید را گرامی میدارند.

سازمان انقلابی (بخش خراسان) درهما هنگی با ستیاد برگزارکننده ای این سالگرد در این مراسم شرکت کرده و بدین مناسبت اعلامیه زیر را انتشار داده است.

همشهریان مبارز و همسنگران دلیر،

تاریخ پرافتخار خلق ما مملو از مبارزات دلیرانه و جانبازانه بر علیه استعمارگران و سلطه گران رنگارنگ بوده است و در این میانه لاله زارها ز خون شهیدان پیش روی ماست.

۲۳ آذر ماه ۵۷ برگ زرین دیگری بر تاریخ مبارزات مردم دلیر خراسان افزود.

در این روز پرافتخار خون بر شمشیر ناق آمدودلی خراسان حماسه دیگری ساختند. کارگر قهرمان محمد منفر دیکه از ده ها شهید از جان گذشته ای که خویش را سپردند و کودکان و بیماران و پیرشکان نمود. نمونه دیگری از دلوری خلق در مبارزه بر علیه رژیم طاغوت و حامیان امپریالیستی آن بود. با شرکت هر چه بیشتر در مراسم بزرگداشتی که روز جمعه ۲۳ آذر ماه در بیمارستان امام رضا برگزار میگردد عهد خویش را با شهدای انقلاب تجدید نموده و پیوند امام و امت را تحکیم بخشیم و بدین وسیله ملت محکم خویش را بر دهان یاوه گویان امپریالیسم شرق و غرب و سرسپردگان داخلی آنها بگوئیم.

زننده با دلوری خلق نه آمریکانه روسیه، ایرانی مستقل و متکی بخود سازمان انقلابی - بخش خراسان

### دعوت آیت الله مهدوی کنی به وحدت

اصول مسائلی که در میان ما گاهی ممکن است ایجاد ناراحتی بکند، مسلما از راه سلامت میشود حل کرد، صحیح نیست ما راه سلامت را کنار بگذاریم و با یکدیگر بجنگ و ستیز برخیزیم که خدا نا کرده عناصر ضد انقلاب از احساسات پاک ما در مسیر انقلاب سوء استفاده بکنند...

تبریز - ۱۹ آذر آیت الله مهدوی کنی که همراه آقایان مهندس سبحانی و دکتر بنی صدر هیات اعزامی از طرف شورای انقلاب به تبریز هستند، از طریق تلویزیون تبریز پیامی مردم آذربایجان شرقی فرستاده و منجمله گفتند:

برادران و خواهران آذربایجانی با توجه به اصول محترمی که همه ما بدان اعتقاد داریم و با توجه به این

اعلامه شماره یک هم میهنان و همکاران عزیز ... انقلاب کنونی که بر پایه استقلال و عدم وابستگی به غرب و شرق بنا گردیده دارای اهمیت بزرگی است و بی تردید در اوضاع کشور ما، خاورمیانه و حتی جهان تاثيرات مهمی بجا خواهد گذاشت استقلال گوهر گرانمای کشورهای جهان سوم در عصر امپریالیسم است هر کشوری که این گوهر گرانهار از کف

## اخبار کوتاه کارگری

**شرکت انستیتو دورینگ خرمشهر** هفته گذشته حدود ۴۰۰ نفر از کارگران شرکت استیو دورینگ خرمشهر در مقابل فرمانداری این شهر اجتماع کرده و خواستار رسیدگی به وضع خود شدند. کارگران اظهار داشتند که از حقوق ماه قبل آنها فقط سیصد تومان پرداخت شده و بقیه آن را به آنها نمی دهند. در ضمن چند ماه پیش طبقه بندی مشاغل برای تعدیل حقوق ها انجام شده ولی هنوز حقوق آن پرداخت نشده است. کارگران از نداشتن سرویس ایاب و ذهاب نیز شکایت داشتند.

کارگران تاکون چهارنماینده جهت رفع مشکلات خود نزد مدیر عامل شرکت وبعد از آن به تهران اعزام کرده اند ولی نتیجه ای بدست نیاورده اند.

شرکت استیو دورینگ مسئولیت تخلیه محموله های کشتی های را که از خارج وارد می شوند بعهده دارد. قبل از انقلاب تخلیه بصورت پیمانکاری و شرکت های خصوصی اداره می شد ولی بعد از انقلاب مسئولیت آن را دولت بعهده گرفت است.

کلیه کارگران شرکت از خلق عرب ایران هستند و این توهم در آنها بوجود آمده که چون عرب هستند به آنها اهمیت نمی دهند.

خواست کارگران شرکت استیو دورینگ برای پرداخت حقوق کامل خود عادلانه و بحق است و باید فوراً به آن ترتیب اثر داده شود. با حرکت از منافع کارگران جلو فعالیت ضد انقلاب را سد کنیم.

و فریاد میزنند نه غربی نه شرقی زنده باد استقلال. پس با وحدت و همبستگی کلیه افراد این مملکت استقلال، این گوهر گرانمای را برای همیشه در وطنمان مہمان کنیم. مرگ بر امپریالیسم بویژه ابرقدرتها دشمن سرسخت خلقهای جهان. پیروز باد اتحاد و همبستگی ملت ایران به رهبری امام خمینی.

**مدیران کارخانه ها اخراج شوند** شیراز - سه تن از مدیران کارخانه چرمسازی "چرمینه" شیراز، با تمام حیف و میل اموال و سوء استفاده، بوسیله کارگران اخراج شدند. کارگران این کارخانه طی اعلامیه ای پرده از اختلال و سوابق این سه نفر برداشته اند و اعلام کردند که از دولت میخواهند مدیریت این کارخانه را بعهده بگیرد تا هر چه زودتر، بهره برداری از صنایع انسانی و تاسیسات کارخانه آغاز بشود.

### رسیدگی به مشکلات کارگران چاپ

تهران - خبرگزاری پارس - ۱۹ آذر - سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد در ادامه تشکیل جلسات شورای سازش صنعت چاپ عصر روز گذشته نیز مسایل و مشکلات و خواستهای کارگران چاپخانه های پویا - امیرکبیر - رنگین - مرجان - وین - آربین و نگین در جلسه شورای سازش با شرکت نمایندگان اتحادیه کارگران و کارفرمایان صنعت چاپ و نماینده وزارت کار و امور اجتماعی بررسی شد.

در این جلسه نسبت به پرداخت مزایای موقوفه کارگران، مابه التفاوت حداقل دستمزد سال ۱۳۵۸، حق عائله مندی و خواروبار، با توافق رسیدگی و مقرر گردید مطالبات کارگران در زمینه های فوق به آنان پرداخت گردد. ضمناً در این جلسه پرونده چند تن از کارگران اخراجی مورد رسیدگی قرار گرفت و با توافق قرار شد به کار اولیه بازگردند. در مورد دو تن دیگر از کارگران اخراجی قرار شد پرونده ها جهت بررسی بیشتر به هیئت بازرسی اتحادیه ارسال شود.

## ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمائید

شماره حساب ۴۵۳۶۸ تهران - شعبه خیابان ایرانشهر

محلی نبوده، بسیاری از دامداران بهره ای از این انبارها نمی برند. مثلاً عشایر مناطق هوم، کاریسون، الامر، دشت تاکنون کمترین علوفه ای دریافت نکرده اند. و عشایر سایر مناطق تحت فشار خانها مجبور به کوچ کردن باین منطقه شده اند که این نیز مشکلی دیگر بر مشکلات آنها افزوده است. نکته دیگر اینکه مجتمع گوشت نیز به دامدارانی که پروار بندند علوفه میدهد، بدین صورت می بینیم که عمدتاً دامداران بزرگ از کلیه امکانات استفاده می نمایند و دامداران کوچک یا از جریانات مطلع نمیشوند،

### با اتحاد بزرگ ملی ...

ما در این زمینه ها است درست اند و آن دسته ای که اکنون یا در آینده به استقلال ما در این زمینه ها خدشه وارد می سازند نادرست اند.

سیاست خارجی کشور ما با در نظر گرفتن نکته فوق الذکر باید نه غربی و نه شرقی باشد. یعنی سیاستی باشد متکی بر نیروی مستقل ملت ما و به صف بندی جهانی که با استقلال ایران و کشورهای مستضعف جهان کمک مینماید خدمت میکند.

کشور ما همانند همه کشورهای جهان دارای بسیاری نیاز مندیهای اقتصادی، فرهنگی و نظامی است که خودشان فعلاً قادر بتأمین آنها نیست و ناچار است از خارج تهیه کند. بعضی کشورها تا کنون این نیاز مندیها را برآورده میکردند و میان کشورهای امپریالیستی بر سر گرفتن انحصار یا بخش بزرگتری از این بازار کشور ما رقابت بوده است.

کشور ما یکی از صادر کنندگان مهم نفت است و در نتیجه دارای روابط اقتصادی مهمی با بازار بین المللی است. خلیج فارس نیز از جنبه نظامی و سیاسی آن برای اقتصاد کشور ما مهم است، و در همین مسئله دیگر که در روابط خارجی کشور ما وجود دارند و برای ما هم مهم اند.

بنابراین اتخاذ یک سیاست روشن که تقسیم باید نه غربی و نه شرقی باشد، در سیاست خارجی ما تعیین کننده است. امروز در اوضاع عمومی جهان دو جریان وجود دارد. جریان استعمارگران و چپاولگران آمریکا و شوروی و آنچه بانان وابسته و مربوط است و جریان حرکت مستقل که تحت عناوین و رنگها و شکلهای مختلف است و ضد جریان دیگر می باشد.

سیاست خارجی نه غربی و نه شرقی

چشم انتظاریم، عده ای که دیگر نه توانایی کار و نه روی گدائی دارند. مستدعی است عرایض مظلومانه عشایر سلحشور و مرزبان را به عرض اولیای امور رسانیده تا به تجاوزات جبران ناپذیر سال ۴۸ تا ۵۶ خاتمه داده شود

والسلام علیکم من التبع الهدا

از طرف هفتصد خانوار عشایر - محمود صحمام ارزوئیه (بافت) ۱۳۵۸/۹/۷

بدان اعتقاد داریم و با توجه به این

رنجبران ارگنان  
- سازمان انقلابی - سازمان کمونرها - سازمان اتحاد  
مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر - سازمان مارکسیستی لنینیستی ایران (پرولتار)  
- گروه مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر - بخشی از گروه مارکسیستی - لنینیستی انقلابیون مارکسیست - لنینیست - گروه کمونیستی اندیمشک

مدیر مسئول - علی حجت سردبیر - فرامرز زویری  
روزهای یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه منتشر میشود.  
نشانی: خیابان مصدق، پانزین تراز میدان ولی عصر خیابان زمرد شماره ۷  
تلفن: ۶۴۲۹۱۴ چاپ سکه

خود ما با آمریکا و هم بسیاری کشورهای خاورمیانه با شوروی، نفوذ این دورا بدنبال خواهد داشت، خرید چنین لوازمی از بعضی کشورهای اروپایی که علیرغم ماهیت امپریالیستی شان در موقعیت نفوذ نمودن در حیات سیاسی و اقتصادی کشور، نیستند برای کشور ما امکان پذیر است. خرید ما محتاج غذایی خود از کشورهای جهان سوم بعوض آمریکا برای ماسرابطی فراهم می آورد که آمریکا ما را نتواند در محاصره غذایی بگذارد.

دوستان استراتژیک، در چنین سیاست خارجی کشورها و ملل جهان سوم اند در عین حال باید در چهار چوب دادوستدهای اجتماعی و فنی از تضاد میان ابرقدرت ها، اروپا و این استفاده نمود.

مساله مهم در سیاست خارجی ما وحدت با کلیه کشورهای جهان سوم صرف نظر از اختلافات مسلکی و مذهبی و نظام های مختلف اجتماعی است. جمهوری اسلامی باید سیاست فعالی را در این مورد در پیش گیرد، بدام توطئه های امپریالیستها بویژه آمریکا

شوروی که تلاش دارند بین ایران و کشورهای دیگر اختلاف بیندازند نیفتد. با معیارهای مذهبی، مسلکی یا "مترقی" و ارتجاعی بودن وحدت را نسجد بلکه با معیار ضدامپریالیستی و ضد دوا بر قدرت بودن است که میتواند وحدت بزرگ کشورهای جهان سوم را تأمین نماید و تنها با این معیار است که کشور ما میتواند جبهه بزرگی را علیه امپریالیسم و ابرقدرت های آمریکائی و شوروی بوجود آورد.

چنین سیاست خارجی نه غربی نه شرقی با سیاستهای داخلی اتحاد بزرگ ملی که نه غربی و نه شرقی باشد تطابق داشته و ادامه مستقیم آن در حیطه روابط خارجی است و بدین ترتیب

کشور جمهوری اسلامی ایران قادر است در صحنه بین المللی متحد با جریان استقلال طلبانه جهانی مستقل و با اتکاء به نیروی خود به پیش رود و سهم خود را در خدمت بخلقها و ملل ستمدیده جهان ایفاء نماید.

### سخن آخر

جمع بزنیم - ایران کنونی مایخاطر اینکه راه استقلال و ترقی را بیابد و دستاوردهای انقلاب اسلامی را حفظ نموده و تکامل دهد باید راه اتحاد بزرگ ملی را، که با توجه به تجربه ده ماهه ای پس از انقلاب از ۶ عنصر اساسی بالا تشکیل شده است، در پیش گیرد.

راه وابستگی به این یا آن امپریالیست و ابر قدرت، راه وابستگی به شوروی و راه انقلابیگری کاذب، تفرقه و چند دستی را در جامعه ما شیوع داده و کوره راه هائی هستند که انقلاب ما را به بن بست خواهند کشید.

بر هر فرد ایرانی میهن دوست و استقلال طلب، کارگران، دهقانان دیگر اقشار ملی و ضد امپریالیست است که در جدال بزرگ کنونی بر سر انتخاب راه های گوناگون ادامه انقلاب بیاخیزند، آگاهانه راه درست اتحاد بزرگ ملی را در پیش گیرند.

خلقهای میهن ما عمیقاً "استقلال خواه هستند، بخاطر استقلال و آزادی هزاران شهید داده اند و مطمئناً در این زمان سرنوشت ساز بار دیگر کشتی انقلاب را از میان توفانهای مبارزه علیه دشمنان خود سالم به ساحل خواهند رسانید.

# تبریز: متحد شویم و...

# اعضای حزب توده...

مختلف کشور است، گروهی که اساساً خلقی است، گرچه عناصر نابانی نیز در آن رخنه کرده‌اند و فتنه می‌کنند. اما این گروه در طرح نظرات خود، که می‌توانند درست یا نادرست باشند، شیوه نادرست افشاگری نسبت به مرکز قدرت کشور و ضدیت با آن وجهه سازی علیه آن را در پیش می‌گیرند.

با طرح مسئله قانون اساسی جدید و همه پرسی آن، انحصار طلبان، به ویژه در دستگاه رادیو تلویزیون، نظرات حضرت آیت الله شریعتمداری را در مورد قانون اساسی منتشر نمیکنند و بدتر از آن، دست به تحریف نظرات ایشان می‌زنند.

این مسئله خشم عده‌ای از مردم را بر می‌انگیزد و قدرت طلبانی که در پی بهانه برای مبارزه علیه رقبای انحصار طلب خود هستند، از این مسئله استفاده کرده و یک جریان وسیع افشاگری را علیه جناح دیگر برراه می‌اندازند.

پس از این پیروزی، انحصار طلبان، که جنبه مثبت آنها هوشیاری در مقابل ضد انقلاب در مبارزه با آن بوده، با سوء استفاده از این پیروزی مشترک همه مردم بر ضد انقلاب، نادرست انحصار طلبی خود علیه جناح رقیب قدرت طلب مساعد می‌بینند.

آنها برای ضربه زدن به رقیب، میان ضد انقلاب که دشمن است، با قدرت طلبی (که بخش اعظم آنها خلقی اند) تمایز قائل نمی‌شوند و همه را به یک چوب رانده و به همه آنها بر حسب ضد انقلاب می‌زنند تا از پیروزی خلق بر ضد انقلاب برای دعوای فرقه‌ای انحصار طلبانه خودمیهو چینی‌کنند، با قدرت طلبان تصفیه حساب نمایند و به عوض تصحیح آنها، حق حیات سیاسی را از آنها بگیرند و آنها را منحل کنند.

هم اکنون، با رفتن هیات سه نفره شورای انقلاب به آذربایجان، راه حل درست مسئله در دستور روز قرار گرفته و در این شرایط دو سیاست کاملاً متضاد مطرح می‌شود:

۱- سیاست انحصار طلبی، یعنی خفه کردن رقیب با استفاده از بسیج توده‌ها و پیروزی آنها علیه ضد انقلاب، اشتباه قدرت طلبان، خفه کردن او به جای اصلاح و گرفتن انحصار قدرت در منطقه. این سیاست با ضربه زدن بر وحدت کلمه به هیچ وجه بیانگیز خطا امام نیست.

۲- سیاست اتحاد بزرگ ملی سیاسی که میان قدرت طلبان و ضد انقلاب تفاوت می‌گذارد، حق حیات برای آنها قائل است و در پی اصلاح آنان و وحدت با آنان، شرکت دادن آنان در قدرت مشترک است تا جبهه خلق تقویت شود و ایر قدرتها نتوانند از قدرت طلبان به سود خود سوء استفاده کنند.

برای پیاده کردن سیاست درست فوق مانکات اساسی زیر را بعنوان راهنمای عمل طرح می‌کنیم و توده‌های خلق و طرفین را به پیاده کردن آن دعوت می‌نمائیم:

۱- باید میان دو نوع تضاد، تضادهای درون خلق و تضادهای میان خلق و دشمن تفاوت گذارد و آنها را قاطبی نکرد، و گر نه قاطبی کردن آنها به سود تفرقه بوده و تنها دشمن از آنها استفاده خواهد کرد.

تضادهای درون خلقی را باید با شیوه بحث و اقناع حل کرد و نه شیوه جبر و فشار و نه قیام و ضدیت و

۲- باید میان خود و ضد انقلاب وابسته به ایر قدرتها مرزروشنی کشید و حساب خود را از آنها جدا کرد و برای حل تضادهای درون خلقی، از نیروهای ضد انقلابی یاریگیری نکرد یا حتی نسبت به آنها روش خشنی نداشت.

۳- باید انحصار طلبی را مورد انتقاد قرار داد. به دیگر نظرات و گروههای سیاسی درون خلق حق حیات سیاسی و اظهار نظر داد، از منافع مردم وسیع نه گروه خود حرکت کرد و از حرکت انقلابی توده‌ها یا موضع قدرت خود برای تصفیه حساب با گروههای دیگر خلقی استفاده نمود بلکه در پی اصلاح اشتباهات و کسب وحدت علیه دشمنان بود و گروههای دیگر را در اداره امور شرکت داد و همه چیز را منحصر به خود نکرد. چه در غیر این صورت، این نیروی سیاسی که می‌تواند با شرکت کردن در امور منطقه در وحدت با دیگر گروه‌ها، عامل مثبتی باشد، در صورت انحصار طلبی به عامل منفی تبدیل شده در بهترین حالت به مبارزه منفی پرداخته و در بدترین حالت به وحدت با عناصر ناپاب ضد انقلاب کشانده خواهد شد.

۴- باید قدرت طلبی را طرد کرد. با جمهوری اسلامی وحدت نمود و رهبری سیاسی امام خمینی را پذیرفت و انتقادات و نظرات خود را با شیوه صحیح مطرح ساخت و برای طرح آنان به ایجاد جریان‌های سیاسی علیه جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب دست نزد.

باید مرز روشنی با ضد انقلاب که می‌خواهد در صفوف مخالفین درون خلقی نفوذ کند کشید و با آنها مبارزه کرد.

توده‌های مردم ما خواستار سرکوب ضد انقلاب وابسته به دو ایر قدرت، وحدت میان خود، وحدت میان روحانیت استقلال طلب و نیروهای سیاسی آنها، آزادی‌های فردی و اجتماعی و رفاه‌اند. آنها می‌خواهند متحداً علیه دشمنان مشترک انقلاب خود مبارزه کنند و ایرانی تو و مترقی بسازند، آنها نمی‌خواهند در دستجات مقابل یکدیگر به نزاع بپردازند، نمی‌خواهند وسیله و ابزار پیشبرد منافع گروهی و تنگ نظرانه‌ای قدرت طلبان و انحصار طلبان شوند. آنها وحدت، رفاه و استقلال می‌خواهند. آنها با خط راستین خود تمام نیروها را خواهند سنجید و در تحلیل نهائی خواستهای خود را به آنها تحمیل کرده و منحرفین را از هر سو که باشند

این روزها در میدان نبرد عظیم تاریخی مردم میهن ما بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، داروسته کیانوری بساط تنگین اما پر جنبه‌ها خود را پهن کرده است، تا از فرصت «مناسب» برای گول زدن مردم ما استفاده نکند، آنها با نست زدن به شیوه‌های کاسیکارانه، برچسب زنی‌های کثیف و غیرسیاسی، تهدید و ارعاب و بالاخره عربده‌کشی «های لومین وار»، «ذبوحانه میکوشند تا کالاهای ایدئولوژیک و سیاسی بنجل و فاسد خود را قالب کنند.

آنها تلاش میکنند تا تحت پرچم توده‌ای، عده‌ای از جوانان متمایل به چپ و یا توده‌ای‌های قدیمی را به خود جلب نمایند. روی سخن ما هم در این نوشته با این بخش از طرفداران یا اعضاء حزب توده است. اینان، چه جوانان و چه افراد با سابقه توده‌ای، نه در گذشته شریک مستقیم خیانت، فرار طلبی و فرصت طلبی رهبری فاسد حزب بودند و نه در شرایط کنونی می‌توانند موافق نوکری بی‌چون و چرای داروسته کیانوری برای شوروی باشند و دودوزه بازی‌های این گروه منحط و سودفروخته را برای مدتی طولانی تحمل نمایند.

کسانی که سالهای سیاه دیکتاتوری پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بخاطر دارند، یا وقایع آن زمان بطور غیر مستقیم به گوششان خورده، میدانند چه موج خشم و نفرتی نسبت به خیانت رهبری در توده‌های حزبی به وجود آمده بود. تنها ایستادگی و مقاومت اعضای حزب، سازمان جوانان، سازمان افسری و خسرو روزبه امید را در دل آنها زنده می‌کرد. فرار رهبری خائن، جاجوش کردن آن در شوروی و کشورهای اروپای شرقی، روز بروز وابستگی این داروسته را به شوروی و در عین حال جدائی آن را از مردم و انقلاب میهن ما واز توده‌های حزبی افزایش داد. اکنون که به برکت پیروزی انقلاب کنونی،

صنایع نفت، شعار ملی شدن نفت جنوب کشور و واگذاری صنایع نفت شمال به شوروی را طرح نمودند، آیا در این مدت تغییر یافته‌اند؟ نه آنها در این مدت آنقدر در مزدوری به امپریالیسم شوروی پیش رفته‌اند که دیگر میباید دوست و دشمن را طرفنداری یا ابراز مخالفت با شوروی اعلام نموده و وقیحانه برای رنگ آمیزی چهره گریه خرس قطبی چنین می‌نویسند: «دوستی و گسترش دوستی و همکاری با اتحاد جماهیر شوروی در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و غیره به سود مصالح کشور ما است، اتحاد جماهیر شوروی دوست بزرگ مردم ایران است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اعتقاد کامل به سیاست اصولی و پیگیری اتحاد شوروی به پشتیبانی از تمام ملل مستعبد، از کلیه مستضعفین جهان بویژه همسایگان، دست دوستی با اتحاد شوروی را به گرمی بشرد و از همه مزایای این دوستی بهره گیرد.» (مقاله «ایران دوباره پایگاه ضد شوروی نخواهد شد»، مردم، شماره ۱۲، ۱۳۲۲، ۵۸).

آیا دیگر به این داروسته فاسد و ضد انقلابی کوچکترین امید می‌توان داشت؟ داروسته‌ای که در نوکرضتی نسبت به سوسیال امپریالیسم شوروی تا بدان حد پیش رفته‌اند که در مدت ۳۷ سال فعالیت خود حتی یکبار «انتقادی رفیقانه» هم از سیاست کرم‌لین‌نشینان در ارتباط با ایران نکرده‌اند؟

۲- آیا می‌توان به داروسته‌ای اعتماد نمود که مدت چند دهه در فکر و در عمل سیاست وابستگی به خارج را تبلیغ و اجرا نموده، با هر طرز تفکر یا نهضتی در کشور ما که اتکاء به نیروی خلق داشته به مخالفت برخاسته‌اند؟

آنها در سالهای گذشته، در «مردم» شماره ۴۴ در مورد شعار اتکاء به نیروی خود چنین نوشتند: «امروز شعار تکیه به نیروی خود

آن انتصابی هستند نه انتخابی؟ چگونه می‌توان رهبری داروسته‌ای را قبول کرد که بدون اتکاء و پشتیبانی پایه حزبی و تنها با اتکاء بر اهرم‌های مادی و معنوی سوسیال امپریالیسم پا برجا مانده است؟

۳- آیا سیاست کنونی دار و دسته کیانوری در رابطه با «مبارزه علیه امپریالیسم» و تکیه مطلق گذاشتن روی امپریالیسم آمریکا و با سیاست آنها در رابطه با «وحدت خلق» از طریق تفرقه افکنی در درون نیروهای اسلام مبارز و دیگر نیروهای استقلال خواه و کوشش در جلب جناحی به وحدت با خود، سیاستی یکجانبه، انشعابگرانه و نهایتاً ضد ملی نیست؟ سیاستی که ادامه فرصت طلبی و انحرافات عمیق آنها در تاریخ گذشته میهن ما است؟

آنها در زمان نهضت ملی شدن نفت، حکومت ملی دکتر محمدق را وابسته به آمریکا جلوه داده و حمله اصلی خود را علیه آن تمرکز داده بودند، آنها در شماره ۸۱-۸۰-۱۳۳۰ نشریه «شهباز»، ارگان «جمعیت مبارزه با استعمار» حزب توده، در مورد شهید دکتر حسین فاطمی که روحیات ملی و انقلابی او بر همگان روشن است چنین نوشته‌اند: «حسین فاطمی که رسماً به مزدوری امپریالیسم آمریکا افتخار میکند عین منافع ایران و به سود امپریالیسم همچنان سخن می‌گوید. وی مزدور رسوای سرمایه‌داران آمریکائی است.»

در «مردم» مورخه ۱۹/۷/۱۳۳۱ در برخورد به جبهه ملی نوشتند: «امپریالیسم آمریکا مزدوران سابق و فاشیستهای آلمان هیتلری را به استخدام در آورده و جبهه باصطلاح ملی را تکیه گاه خود قرار داد.»

همین آقایان فرصت طلبی را به جائی رساندند که بمنظور کسب چند صدتلی در مجلس شورا در تاریخ ۲۱/۱۱/۱۳۲۴ در «شهباز» چنین به چاپلوسی از قوام السلطنه خائن پرداختند:

منفرد گشته و شکست می خورد و توده‌ها پیروزی به دست می آورند.

جبر و فشار و نه قیام و ضدیت و افشگری.

کرده و منحرفین را از هر سو که باشند طرد خواهند نمود.

## پیام کمیته تدارک ایجاد حزب به

دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی و عمال آنها، لحظه‌ای از توطئه‌چینی علیه انقلاب اسلامی ایران دست برنداشته‌اند. هسته‌ی مرکزی فعالیت ضد ملی و تجاوزگاران‌ی آنها ضربه زدن به وحدت خلق و سیاست "تفرقه بیانداز و حکومت کن" بوده است. بدین منظور آنها از حرب‌های شایعه پراکنی، ایجاد سوء ظن، رخنه دادن عوامل خود در صفوف نیروهای خلقی، دامن زدن به اختلافات درون خلقی و کشاندن آن تا حد برخورد قهرآمیز و بالاخره توطئه‌چینی مستقیم آنها در میدان عمل، به کثیف‌ترین شکل استفاده کرده‌اند.

سازمانها و گروه‌های مارکسیست - لنینیست، با الهام از حرکت توده‌های میلیونی خلق و با آگاهی از توطئه‌های دو ابر قدرت آمریکا و شوروی پرچم "اتحاد بزرگ ملی" را در حول سه اصل خلق و از طریق وحدت سه جریان بزرگ تاریخی در کشورمان: اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی برافراشتند و در خدمت به انقلاب و ادامه آن تا آخر روی تحقق سه اصل خلق پافشاری نموده و پیروزمندان در جهت ایجاد ستاد رهبری کننده‌ی طبقه کارگر و توده‌های خلق گام برمی‌دارند.

در این حرکت بزرگ و تاریخی مردم ما به پیش، عوامل نا مساعد درونی چندی، اخلاص کردند. مبارزه برای حفظ و یا کسب قدرت میان نیروهای حاکم که بصورت انحصارطلبی و قدرت‌طلبی درآمد بود، به ایجاد اغتشاش و برهم زدن استقرار نظم انقلابی در میهن‌مان ایران کمک کرد. تعدادی از نیروهای چپ نیز بعلت ذهنیگری در ارزیابی از وضعیت عینی و مبارزات طبقاتی جامعه‌مان، عدم تلفیق درست تئوری انقلابی با پراکتیک مشخص ایران سیاست‌های نادرستی را در پیشبرد مبارزات ملی و طبقاتی در کشورمان مطرح کردند که مورد سوء استفاده امپریالیستها و عوامل وابسته به آنها قرار گرفت.

هم‌اکنون به موازات تلاش مذبحانه امپریالیسم آمریکا و عمال آن در جهت حفظ پایه‌های نفوذ خود در ایران، شاهد تلاش جنون آمیز امپریالیسم

شوروی و عوامل وابسته آن یعنی دارو دسته کیانوری در جهت وابسته کردن کشورمان به این ابر قدرت امپریالیستی هستیم. خیانتگرانی که تا دیروز با رژیم منفور شاه سازش کرده و به اساسی‌ترین منافع مردم ما ضربه زدند، امروز بایستی خاصی که فقط از عهده عاملین امپریالیسم برمی‌آید گریه عابد زاهد شده، جامعه‌ی مندرس "جبهه - سازی" ریاکارانه‌ی به تن کرده و بخاطر شکاف انداختن در صفوف متحد خلقهای ایران بنا به دستور ارباب، در مقابل شعار وحدت سه جریان بزرگ اسلام مبارز، ملی گرائی مترقی و سوسیالیسم انقلابی، طرح پلید خود را مبنی بر وحدت عوامل شوروی یا نیروهای اسلامی را مطرح می‌کنند تا جدائی بین مردم جامعه ما و میان نیروهای استقلال خواه بوجود آورده و با از بین بردن "وحدت کلمه" زمینه نفوذ سوسیال - امپریالیسم را فراهم سازند. آنها سیاست مزدورانه و جنبش کارگری و کمونیستی کشورمان و کمک به وحدت خلق، مبارزات خود را علیه روبریونیستها و عوامل سوسیال امپریالیسم شوروی بویژه دارو دسته کیانوری تمرکز دهند و نگذارند کشور ما به میدان قتل عام (نظیر افغانستان) و یا زندان بزرگ ملیتهای ساکن آن توسط قزاقان جدید روس تبدیل شود و این مبارزات را همسو کنند.

تاریخی کشور ما، نواخته شدن ناقوس مرگ خود را می‌بینند. آنها همچنین با سوء استفاده از اشتباهات برخی از نیروهای چپ تلاش بی‌شرمانه‌ی را برای داغان کردن این نیروها در پیش گرفته‌اند. آنها با اشاعه سیاست های روبریونیستی و مشتت کردن افکار، رخنه در صفوف نیروهای چپ، تشبث به کثیف‌ترین نوع برجسب‌زنی و وابسته به امپریالیسم آمریکا قلمداد کردن "ماغویستیها" و آزار مستقیم مارکسیست - لنینیست‌ها، ردیالنه درصدداند تا با پوشاندن چهره خیانتکار خود، دارو دسته وابسته خود را بعنوان "حزب طراز نوین طبقه کارگر" یکبار دیگر به خلق تحمیل کنند.

عریده‌هایی که این روزها نویسندگان روس‌نامه "مردم" در حمله به گروه‌های سیاسی چپ میکشند، نشانه‌ایست از سیاست مزدوران سوسیال امپریالیسم در جلوگیری از عریان تر شدن ماهیت آنها و آریابانشان توسط نیروهای چپ

و ناراحتی‌شان از اینکه چرا علیرغم قول و قرارهای که قبل از ورودشان به ایران از تزارهای کرملین گرفته بودند و علیرغم خرج میلیون‌ها روبل، بعلت افشاگریهای نیروهای ملی و استقلال طلب و از جمله نیروهای چپ، نتوانستند قدرت حاکمه را بدست گیرند و مردم مانفرت خود را از آنها بارها و بارها اعلام داشته‌اند.

در اوضاع حساس کنونی که کشور ما در محاصره نظامی دو ابر قدرت آمریکا و شوروی قرار گرفته است، در شرایطی که استقلال و تمامیت ارضی کشور ما و آزادی مردم ایران توسط این دونیروی سلطه طلب و تجاوزگر به مخاطره افتاده است، ما از نیروهای چپ، از کلیه مارکسیست لنینیستهای که هدفی جز خدمت به استقلال کشور و رهایی زحمتکشان میهن‌مان از قید استثمار و ستم طبقاتی ندارند، میخواهیم بخاطر وحدت بخشدن به صفوف جنبش کارگری و کمونیستی کشورمان و کمک به وحدت خلق، مبارزات خود را علیه روبریونیستها و عوامل سوسیال امپریالیسم شوروی بویژه دارو دسته کیانوری تمرکز دهند و نگذارند کشور ما به میدان قتل عام (نظیر افغانستان) و یا زندان بزرگ ملیتهای ساکن آن توسط قزاقان جدید روس تبدیل شود و این مبارزات را همسو کنند.

خلقهای میهن‌مان ایران و در پیشاپیش آنها کلیه‌ی نیروهای سیاسی میهن دوست و آزادیخواه آگاه تر از آنند که گول دوامپریالیست جهانخوار راپخورند. متحداً "بکوشیم تا بهمان گونه که خیال پوچ امپریالیست های امریکائی را در بازگشت به بهشت قبلی چپاولگری‌شان بریاددا دیم، نگذاریم آرزوی چند قرن تزارهای کرملین و سوسیال امپریالیسم شوروی در دست یافتن به آبهای گرم خلیج فارس و مستعمره ساختن ایران، تحقق یابد. سراسر ایران را بگورستان دو تجاوزگر آمریکا و شوروی و عمال آنها تبدیل کنیم و ایرانی مستقل، آزاد، آباد و شکوفان و متکی بخود بوجود آوریم.

سازمان کمونرها سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر سازمان انقلابی.

۱۳۵۸/۹/۱۸

ته به برت پیروزی صرف تنوی، دارودسته کیانوری توانسته با جیب های پر از روبل روسی به ایران برگردد، با تعداد معدودی که تن به مزدوری شوروی داده‌اند قادر به پیشبرد اهداف پلید این ابر قدرت نبوده و تلاش دارد، با سوء استفاده از احساسات وابستگی حزبی گذشته توده‌ای‌های صادق و تمایلات چپی عده‌ای از جوانان، برای نقشه‌های ردیالنه خود نیرو جمع کند.

ما در برابر این دو گروه از اعضای حزب توده چند سؤال قرار میدهم:

۱- آیا می‌توان رهبری دارو دسته‌ای را قبول کرد که عدم استقلال فکری و مادی آنها یکبار در گذشته نهضت را به شکست کشاند و کشور را شاسقوط به دامن امپریالیسم آمریکا پیش‌برد و امروز با وابستگی کامل به ابر قدرت شوروی تلاش دارند یکبار دیگر نهضت انقلابی میهن ما را به شکست کشاند و این نهضت را که با دادن هزاران شهید و تحمل مشقات بیشمار میهن را از سلطه امپریالیسم جهانخوار آمریکا آزاد ساخته، در دامن کثیف امپریالیسم

روس بیندازد؟

آنان در شماره ۱۲ آبان ۱۳۲۳ نشریه "مردم" در زمان اوجگیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما با بی‌شرمی چنین نوشتند: «ما به همان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافی قائلیم و بر علیه آن سخن نمی‌گوئیم باید معترف باشیم که شوروی در ایران منافع جدی دارد. باید به این حقیقت پی‌برد که مناطق شمال ایران در حکم حریم امنیت شوروی است و عقیده‌ی مسته‌ای که من در آن هستم اینست که دولت بفوریت برای دادن امتیاز نفت شمال به روسها و نفت جنوب به کمپانی‌های انگلیسی و آمریکائی وارد مذاکره شود.»

این وطن فروشان که بعدها به هنگام طرح شعار ملی شدن سراسری

«امروز شعار تکیه به نیروی خود کاریست ارتجاعی. زیرا هم بزبان خلق و هم بزبان ساختمان جهان سوسیالیسم است. این شعار نفسی انترناسیونالیسم پرولتری و مظهر ناسیونالیسم بورژوازی است.»

آنها در سالهای اخیر، رد این اصل انقلابی را در شعار «تکیه به شوروی» متبلور ساختند و بی‌شرمانه حتی کسب استقلال کشور ما و پیروزی انقلاب کنونی را مرهون تهدید آمریکا از جانب شوروی وانمود کردند: «در این وضع، لثوئید برژنف با اظهارات روشن و قاطع خود همه امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا را از هرگونه مداخله به طریق اولی از مداخله نظامی در ایران بر حذر میدارد. این اظهار بموقع نه تنها از خطری که امپریالیسم متوجه کشور ما ساخته جلوگیری میکند، بلکه مردم مبارز و همه میهن پرستان و آزادیخواهان ایران را در ادامه جنبش عظیم حق طلبانه خود نیرو می‌بخشد.» (ضمیمه "مردم"، ۵۷۸۳)

چگونه میتوان رهبری‌ای را تحمل نمود که از لغو مواد سازتبار قرارداد ۱۹۲۱ که دخالت رسمی و نظامی شوروی را در کشور ما مجاز می‌شمرد برآشته شده و رهبری انقلاب را مورد انتقاد و طعن قرار میدهند؟

۳- آیا این رهبری که حزب را حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران قلمداد میکند توجیهی دارد که چرا بیش از ۳۰ سال است که کنگره تشکیل نداده و مرکزیت دمکراتیک را اعمال نکرده و هم اکنون اکثر اعضای کمیته مرکزی

## تسلیمت

اطلاع یافتیم که آقایان رسول و حجت الله درویش نژاد در یک حادثه رانندگی در راه شیراز در گذشتند. ما این فاجعه را به آقای محمود درویش نژاد در فرمانداری گرگان و خانواده ایشان تسلیت گفته و خود را در سوگ ایشان سهیم می‌دانیم. هیئت تحریریه

پرداختند: «اکنون قوام السلطنه به پشتیبانی افکار عمومی و به یاری عوامل و عناصر وطن پرست و آزادیخواه موفق گردیده است اولین قدم متین و میهن پرستانه را در راه رفع سوء تناهات (باشوروی) بردارت و عموم مردم وطن پرست ایران موظف‌اند در این راه نخست وزیر جدید را پشتیبانی کنند.»

اینان بدنبال این سیاست به اعضاء حزب که در زندان بودند هنگام خیانت و فرار خود دستور اعضاء تفرنامه را دادند و سالیان دراز به آرایش چهره رژیم منحوس و وابسته و جنایتکار محمدرضا شاه پرداختند. باصلاح انقلاب سفید فرمایشی او را بطور عینی مثبت خواندند و در مقابل، به قیام عظیم ۱۵ خرداد حمله برده و آنرا همزبان با اربابان خود زائیده دست فئودالها و «آخوندهای مرتجع» خواندند.

اینها تنها شمای بود از خیانت های مکرر دارودسته کیانوری. لکن مسائل متعددی وجود دارد که می‌توان در مورد آنها نیز سؤال طرح نمود. ولی برای کسانی که خود شاهد خیانت‌های طولانی این دارودسته بوده و با تاریخ زندگی آنان را بعنوان نمونه‌ای منفی مطالعه نمودند، مشت نمونه خروار است و لکه‌های سیاهی که در بالا آوردیم نمودار زندگی سراسر سیاه و طرد شدنی این دارودسته نوکر صفت است. آیا با تمام این اوصاف، ادامه فعالیت زیر علم باره این دارودسته و مورد بهره برداری سوء آن قرار گرفتن را هنوز میتوان توجیه نمود؟